



تحلیل راهبردهای جنگ شناختی در خطبه‌های نهج البلاغه با تأکید بر مقابله با تحریف و تزویر

محمد معرفت *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

چکیده

جنگ شناختی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ ترکیبی در عصر جدید است که با هدف دستکاری ادراک، تحلیل و تصمیم‌گیری مخاطب صورت می‌گیرد. در منابع اسلامی، به‌ویژه نهج البلاغه، می‌توان نمونه‌هایی از واکنش به این نوع تهدید شناختی را یافت. نوشتار حاضر با تمرکز بر خطبه‌های نهج البلاغه تلاش دارد به روش کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون، راهبردهای شناختی امیرمؤمنان علی (ع) در مقابله با تزویر سیاسی، تحریف تاریخ و مهندسی افکار عمومی را تبیین نماید. نتایج تحقیق، حاکی از آن است که امام علی (ع) از راهبردهایی چون افشای نفاق، بازسازی روایت صحیح تاریخ، نقد قدرت مبتنی بر تزویر و آگاه‌سازی جامعه نسبت به مغالطات بهره می‌گرفته است. همچنین بازخوانی انتقادی تاریخ، افشای مکانیزم‌های تزویر قدرت، کاربرد زبان افشاگرانه و رمزگشایی از عملیات روانی دشمن، از روش‌های امام علی (ع) برای افشای تحریف تاریخی و سیاسی به شمار می‌روند.

کلیدواژگان: جنگ‌شناختی، نهج البلاغه، امام علی (ع)، تحریف، تزویر، خطبه شقشقیه

*. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

m.marefat@iau-tnb.ac.ir



جنگ‌های نوین با تغییر ماهیت از جنگ سخت به جنگ‌های نرم و شناختی، به عرصه‌های ذهن، معنا و ادراک انسان نفوذ کرده‌اند. «جنگ شناختی»^۱ به عنوان نوعی از جنگ‌های غیرمرئی، بر مهندسی افکار عمومی، تحریف حقیقت و دستکاری درک جمعی تمرکز دارد. در سنت اسلامی و به‌ویژه در میراث علوی، شواهدی از درک عمیق امام علی (ع) از این نوع تهدیدات قابل مشاهده است. خطبه‌های نهج/البلاغه نشان‌دهنده تلاش آگاهانه امام (ع) برای خنثی‌سازی عملیات‌های روانی و تحریفات تاریخی در جامعه اسلامی است. نهج/البلاغه به‌عنوان متنی دینی و سیاسی، ظرفیت تحلیل این نوع تهدیدات را داراست.

در خصوص پیش‌بینی پژوهش موضوع مذکور می‌توان گفت مرور منابع نشان می‌دهد که گرچه پژوهش‌های متعددی درباره خطبه شقشقیه و برخی دیگر از خطبه‌های نهج/البلاغه انجام گرفته، اما تحلیل آن از منظر جنگ شناختی و در قالب مفاهیم نوین جنگ ترکیبی کمتر مورد توجه بوده است. آثار انگشت‌شماری به تبیین مفهوم جنگ نرم در نهج/البلاغه پرداخته‌اند، اما مفهوم جنگ شناختی به‌عنوان گونه‌ای تخصصی از جنگ‌های غیرسنتی، تا کنون در تحلیل خطبه‌های علوی کمتر بررسی شده است.

چارچوب نظری پژوهش حاضر مبتنی بر مفاهیم جنگ شناختی و «عملیات روانی»^۲ است که در آن، کنترل درک و تفسیر مخاطب، هدف اصلی تلقی می‌شود. همچنین از مفاهیم قرآنی و اندیشه سیاسی اسلامی برای تحلیل گفتمان امام علی (ع) استفاده شده است. این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده و خطبه‌های نهج/البلاغه به‌عنوان داده‌های اصلی، تحلیل و مضامین مرتبط با جنگ شناختی استخراج و طبقه‌بندی شده‌اند. اعتبار تحلیل از طریق تطبیق با منابع تفسیری نهج/البلاغه از جمله شرح ابن‌ابی‌الحدید، ترجمه و تفسیر علامه محمدتقی جعفری و ... افزایش یافته است.

۱. Cognitive Warfare

۲. Psychological Operations

۱. مؤلفه‌های جنگ شناختی در خطبه‌های نهج البلاغه

جنگ شناختی نوعی از نبردهای نوین است که با هدف تغییر ادراک، باور، تصمیم و رفتار مخاطبان، بدون استفاده مستقیم از زور فیزیکی صورت می‌گیرد (Backes & Swab, ۲۰۱۹). از آنجا که امیرمؤمنان (ع) در خطبه‌های نهج البلاغه با تحریفات تاریخی و تزویرهای فکری مواجه بوده است، می‌توان این خطبه‌ها را از منظر مؤلفه‌های جنگ شناختی تحلیل کرد.

خطبه شقشقیه (خطبه ۳) و خطبه‌های ۳۴، ۴۵، ۵۰، ۱۷۲ و ۲۱۷ چند نمونه بارز از خطبه‌هایی هستند که در بستر تقابل با تحریف ساختار یافته و جریان‌های تزویر سیاسی ایراد شده‌اند (محسنی و پروین، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۵۵). در اینجا تلاش می‌شود با تمرکز بر ابعاد شناختی این خطبه‌ها، مؤلفه‌های جنگ شناختی بازنمایی و تحلیل شوند.

تعریف مفهومی جنگ شناختی

مؤلفه	تعریف
ادراک‌سازی	تغییر برداشت مخاطب از واقعیت
تحریف اطلاعات	بازنمایی گزینشی یا نادرست از حقایق برای اهداف خاص
اقناع و اقناع‌گریزی	تلاش برای اقناع در برابر مقاومت شناختی مخاطب
تخریب شخصیت	حمله به اعتبار رقیب برای تضعیف پیام او
استفاده از نمادها و استعاره‌ها	بهره‌گیری از نشانه‌ها برای انتقال لایه‌های پنهان معنا

۱-۱. تحلیل خطبه شقشقیه (خطبه ۳)

خطبه شقشقیه به‌مثابه یک افشاگری شناختی علیه تحریف تاریخی خلافت تحلیل می‌شود. امیرمؤمنان (ع) در این خطبه با بازخوانی حوادث پس از رحلت پیامبر (ص)، ضمن تحلیل روانی و فکری جامعه، پرده از نظام‌مند بودن انحرافات برمی‌دارد (Kopp, ۲۰۲۰; Hansen & Nissenbaum, ۲۰۲۱).



مؤلفه‌های شناختی در خطبه شقشقیه

ردیف	مؤلفه شناختی	شواهد متن خطبه	تحلیل روان‌شناختی
۱	تحریف تاریخ	«فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا»	نشان از تحریف ساختاریافته و اجبار بر سکوت دارد.
۲	افتناع مخاطب	«أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَصَّهَا فَلَانُ (ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ)»	ساختار اقناعی قوی با بهره‌گیری از سوگند و مقایسه
۳	برندسازی منفی رقیب	«يَنْحِتُونَ الدِّينَ نَحْتَ الْأَدِيمِ»	تصویرسازی تحقیرآمیز از چهره‌های سیاسی مقابل
۴	بازسازی هویت خودی	«وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلٌّ الْقُطْبُ مِنَ الرَّحَى»	تأکید بر صلاحیت ذاتی خود در برابر غصب‌کنندگان

۲-۱. تحلیل خطبه ۵۰: مبارزه با تزویر در جامعه دینی

در خطبه ۵۰ حضرت (ع) به تشریح شیوه‌های نفوذ تزویرگران در لباس دین می‌پردازد. این خطبه از حیث هشدار شناختی و افشای سازوکارهای تزویر دینی بسیار حائز اهمیت است (محسنی و پروین، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۵۵).

مؤلفه‌های شناختی در خطبه ۵۰

ردیف	مؤلفه شناختی	نمونه از خطبه	تحلیل
۱	تزویر دینی	«إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءٌ تَتَّبِعُ وَ أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ»	اشاره به بدعت به‌عنوان ابزار تحریف دینی
۲	تولید شبهه	«يُشَبِّهُونَ عَلَى النَّاسِ»	تولید فضای تردیدآلود با زبان دینی
۳	وارونه‌سازی واقعیت	«فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُرْتَادِينَ»	تشخیص حق از باطل را دشوار می‌سازند
۴	افتناع‌گریزی	«وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ»	بهم‌آمیزی حق و باطل برای سردرگمی شناختی مخاطب

نمودار تحلیلی

نمودار زیر مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های جنگ شناختی در دو خطبه را نشان می‌دهد:

مؤلفه‌ها	خطبه شقشقیه	خطبه ۵۰
تحریف واقعیت	✓	✓✓
تزویر دینی	✓✓	✓
اقناع مخاطب	✓	✓✓
شبهه افکنی	✓✓	✓
تصویرسازی رقیب	✓	✓✓
✓: سطح متوسط	✓✓: سطح برجسته	

تحلیل خطبه‌های نهج/البلاغه با رویکرد جنگ شناختی نشان می‌دهد امیرمؤمنان (ع) به‌گونه‌ای نظام‌مند با ابزارهایی چون افشاگری، بازخوانی تاریخی، اقناع‌سازی و شفاف‌سازی شناختی، در برابر جریان‌های تحریف و تزویر ایستادگی کرده است. خطبه شقشقیه با تمرکز بر تحریف تاریخ سیاسی و خطبه ۵۰ با تمرکز بر تحریف دینی و فکری، هر دو جلوه‌ای از مقاومت شناختی در برابر پروژه‌های فریب و سلطه نرم هستند.

۲. راهبردهای امام علی (ع) برای افشای تحریف تاریخی و سیاسی

در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، جامعه اسلامی دچار تحریف‌هایی در سطوح مختلف دینی، سیاسی و تاریخی شد. امام علی (ع) به عنوان وارث علم نبوی و مدافع اصیل اسلام، در خطبه‌های خود به‌ویژه خطبه شقشقیه و خطبه‌های ۳۴ و ۲۱۷ نهج/البلاغه، روش‌هایی راهبردی برای افشای این تحریف‌ها به کار بست که در ادامه بدانها می‌پردازیم:

۱-۲. بازخوانی انتقادی تاریخ^۱

امام علی (ع) با بازگویی حوادث صدر اسلام از زاویه‌ای انتقادی، تاریخ را از انحصار روایت رسمی خارج می‌کند. ایشان در خطبه شقشقیه، با بیان گزاره‌هایی مانند «أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ»

۱. Reframing the Narrative



(ابن ابی قحافه) وَ إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى؛ آگاه باشید! به خدا سوگند، فلانی (پسر ابی قحافه) خلافت را بر تن کرد، در حالی که خوب می دانست جایگاه من نسبت به خلافت، مانند محور آسیاب است نسبت به سنگ آن (یعنی خلافت بر گرد من می چرخید و من شایسته ترین فرد برای آن بودم)» نه تنها روایت غالب را به چالش می کشد، بلکه افشاگری مستند و تاریخی می نماید. در این عبارت، امام علی (ع) با کنایه از غصب خلافت یاد می کند و جایگاه خویش را در رهبری امت به گونه ای بنیادین و محوری توصیف می فرماید، همان گونه که محور در دل آسیاب نقش اصلی را ایفا می کند. این روش، یکی از مؤلفه های اصلی جنگ شناختی برای بازسازی حافظه جمعی است.

تحلیل با رویکرد جنگ شناختی

جنگ شناختی یعنی تأثیرگذاری بر ذهن و ادراک مخاطب برای تغییر باور، قضاوت یا رفتار، حتی بدون کاربرد خشونت یا زور فیزیکی (Bernal et al., ۲۰۲۰; Backes & Swab, ۲۰۱۹; Cheatham et al., ۲۰۲۴). در این چارچوب، بیان امام علی (ع) را می توان در سه محور بررسی کرد (زارعی، ۱۳۹۴: ۴۱-۶۴؛ عبدی، ۱۳۹۰، ۱۳۵-۱۵۰؛ محمدی نجم، ۱۳۹۴):

الف) برندسازی ذهنی^۱

امام علی (ع) با بیان این جمله، بسیار هوشمندانه یک چارچوب ذهنی می سازد که در آن دو پیام نهفته است:

- خلافت چیزی نیست که کسی بتواند به راحتی آن را تصاحب کند («تَقْصُصُهَا» یعنی پوشیدن چیزی که مناسب قامت تو نیست)، بلکه جایگاهی الهی و شایسته است.
 - مخاطب باید در ذهن خود میان «حق طبیعی» و «غصب قدرت» تمایز قائل شود. در واقع امام (ع) با واژه هایی ساده اما مؤثر، یک دوگانه ذهنی ایجاد می کند: محور آسیاب (امام علی (ع)) در برابر غاصب خلافت (ابن ابی قحافه).
- اثر شناختی آن را می توان چنین برشمرد: تغییر ادراک عمومی از «یک انتقال سیاسی قدرت» به «یک ظلم تاریخی».

۱. Framing the Narrative



ب) تثبیت شایستگی از طریق استعاره قدرتمند^۱

استعاره «محور در آسیاب» (القطب من الرحی)، یکی از پرقدردترین استعاره‌های ذهنی است. آسیاب بدون محور، اصلاً کار نمی‌کند؛ این یعنی:

- اگر خلافت بدون من اداره شود، فاقد تعادل و بهره‌وری واقعی است.

- مردم (مخاطبان فعلی و نسل‌های آینده) باید بدانند که شایستگی من ذاتی و ساختاری است، نه اکتسابی یا انتخابی.

اثر شناختی آن را می‌توان چنین برشمرد: ایجاد مبنای درونی برای اعتراض، نه صرفاً اعتراض سیاسی یا شخصی.

ج) افشای آگاهی طرف مقابل^۲

امام علیه السلام نمی‌گوید که خلیفه ندانسته یا ناآگاهانه خلافت را گرفته، بلکه می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ؛ او به‌خوبی می‌دانست که من سزاوارتر بودم». این بخش به‌شدت در حوزه جنگ شناختی مهم است؛ چون نشان می‌دهد که دشمن (غاصب خلافت) خودش نیز حقیقت را می‌دانست. پس آنچه رخ داد، صرفاً خطای سیاسی نبود، بلکه رفتاری آگاهانه برای تحریف حقیقت و مهندسی افکار عمومی بود.

اثر شناختی آن را می‌توان چنین برشمرد: شکستن مشروعیت اخلاقی و عقلی دشمن در ذهن مخاطب.

بر این اساس، امام علی علیه السلام در این عبارت کوتاه، تصویر ذهنی قدرت را بازتعریف می‌کند، مشروعیت رقیب را زیر سؤال می‌برد، شایستگی خود را با استدلال استعاری و منطقی تثبیت می‌کند و از همه مهم‌تر، یک هسته مقاومتی در ذهن شیعیان و آزاداندیشان بنا می‌گذارد که قرن‌ها دوام آورده است. این دقیقاً همان چیزی است که در جنگ‌های شناختی مدرن از آن با عنوان «مهندسی ادراک»^۳ و جنگ نرم‌افزاری در حافظه تاریخی یاد می‌شود.

۱. Symbolic Assertion

۲. Unmasking the Opponent's Cognition

۳. Perception Engineering



۲-۲. افشای مکانیزم‌های تزویر قدرت

در دو جا از نهج/البلاغه چنین آمده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَحِمِي وَصَغَرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي أَمْرًا هَوَلِي؛ بارالها! از قریش و کسانی که یاری‌شان کردند، نزد تو شکایت می‌برم؛ زیرا آنان پیوند خویشاوندی‌ام را بریدند، مقام والای مرا کوچک شمردند و هم‌دست شدند تا بر سر چیزی با من درآویزند که حق مسلم من بود» (نهج/البلاغه، خطبه ۱۷۲).

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَمَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَدْ قَطَعُوا رَحِمِي وَأَكْفَتُوا إِنَائِي وَأَجْمَعُوا عَلَيَّ مُنَازَعَتِي حَقًّا كُنْتُ أَوْلَى بِهِ مِنْ غَيْرِي؛ خداوند! از قریش و یارانشان به درگاه تو شکایت می‌کنم؛ آنان رشته خویشاوندی مرا بریدند، جام وجودم را واژگون ساختند (بی‌حرمت کردند و شأتم را شکستند) و در مورد حقی که من از دیگران بدان شایسته‌تر بودم، هم‌پیمان شدند تا آن را از من بگیرند» (همان، خطبه ۲۱۷).

در این دو جا امام (ع) با شفاف‌سازی روش‌های قدرت‌طلبان برای مصادره حق، سازهای تزویر سیاسی^۱ را برملا می‌سازد.

تحلیل با رویکرد جنگ شناختی

جنگ شناختی، ناظر به نبرد بر سر ادراک، معنا، مشروعیت و بازنمایی حقیقت است. در این دو عبارت، امام (ع) به‌شکلی عمیق و کنایه‌دار، سه مکانیزم اصلی تزویر قدرت را افشا می‌کند (عزیزی، ۱۴۰۱، ۴۴-۵۵؛ آدمی و محمدی نسب، ۱۳۹۴؛ غفوری و طباطبایی‌ندوشن، ۱۴۰۲):

الف) تحریف منزلت و بازتعریف مشروعیت

عبارت «صَغَرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي» (نهج/البلاغه، خطبه ۱۷۲) به از بین بردن چهره مرجعیت علوی در نگاه عمومی و عبارت «أَكْفَتُوا إِنَائِي» (همان، خطبه ۲۱۷) به عملیات تخریب جایگاه حقیقی اشاره دارد؛ چراکه «واژگون ساختن جام وجودم» یعنی کاری کردند که آنچه باید بر زبان و قلب مردم جاری می‌بود، فرو ریخت.

۱. Deception Structures



در جنگ شناختی امروز، این معادل است با «تخریب چهره‌های اصیل از طریق پروپاگاندا» «حذف از رسانه‌ها» یا «تضعیف گفتمان رقیب با جعل روایت» (Nye, ۲۰۰۴; Cognitive Warfare NATO Report, ۲۰۲۰).

ب) ائتلاف ناعادلانه نخبگان برای مهندسی قدرت

تعبیر «اجْمَعُوا عَلٰی مُنَازَعَتِي» (نهج/البلاغه، خطبه ۱۷۲ و ۲۱۷)، به شکل‌گیری یک شبکه قدرت موازی اشاره دارد که در آن نخبگان سیاسی قریش (طایفه‌گرایان، مهاجران خاص و قبایل رقیب بنی‌هاشم) برای مصادره خلافت هم‌دست شدند؛ یعنی هم‌پیمانی گسترده‌ای برای حذف امام (ع) صورت گرفت.

در رویکرد شناختی، این یعنی: ساختار قدرت وقتی خود را در معرض تهدید مشروعیت می‌بیند، ائتلافی از عوامل رسانه‌ای، اجتماعی و سیاسی را شکل می‌دهد تا روایت رسمی را تثبیت و حقیقت را به حاشیه براند (Nye, ۲۰۰۴; Cognitive Warfare NATO Report, ۲۰۲۰).

ج) قطع رحم؛ حذف مشروعیت عاطفی و تاریخی

جمله «قَطُّعُوا رَحِمِي» (نهج/البلاغه، خطبه ۱۷۲ و ۲۱۷)، فراتر از یک گله خانوادگی است، بلکه اشاره به حذف سرمایه عاطفی، خانوادگی و سنتی امام (ع) در نظام سیاسی پس از پیامبر (ص) دارد. قریش درصدد بود پیوند امام (ع) با پیامبر (ص) را تنها به سطح نسبی تقلیل دهد، نه مشروعیت جانشینی (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۳).

در جنگ شناختی، این یعنی: بریدن پیوندهای عاطفی و تاریخی فرد با مردم، با هدف «منزوی‌سازی»، «غریب‌سازی» و «بی‌ریشه‌سازی» شخصیت حق‌طلب (Nye, ۲۰۰۴; Cognitive Warfare NATO Report, ۲۰۲۰).

بنابراین، امام (ع) با بیانی موجز، نظامی از تزویر را چنین معرفی می‌کند:

- تحریف جایگاه مشروع و حذف از صحنه ذهنی مردم؛
- تشکیل ائتلاف قدرت برای غصب حقیقت؛
- ضربه به سرمایه عاطفی و نمادین اهل حق؛



در نتیجه، این خطبه‌ها را می‌توان نمونه‌ای روشن از افشای عملیات شناختی تاریخی علیه عدالت علوی دانست؛ گفتمانی که تا امروز هم الهام‌بخش جریان‌های عدالت‌خواه و ضدتحریف در تاریخ اسلام و سیاست معاصر است.

۲-۳. کاربرد زبان افشاگرانه^۱

امام علی علیه السلام از بیانی بهره می‌برد که واجد «زبان هشدار» و «زبان استنطاقی» است. این زبان در مواجهه با تحریف، نقش ابزار ضدتحریف ایفا می‌کند: «فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَذَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجًّا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا! پس صبوری پیشه کردم، در حالی که خار در چشمم بود و استخوان در گلویم و می‌دیدم که میراثم به تاراج می‌رود» (نهج/البلاغه، خطبه ۳). اینجا احساس مظلومیت آگاهانه و سکوت راهبردی به‌مثابه زبان افشاگری عمیق، به‌کار گرفته شده است.

تحلیل با رویکرد جنگ شناختی

این جمله یکی از رساترین نمونه‌های «افشاگری شناختی»^۲ در کلام امام علیه السلام است. ایشان با زبانی تصویری و دردآلود، مکانیزم‌های تحریف، حذف و غصب را افشا می‌کند، بدون آنکه صراحتاً وارد رویارویی فیزیکی یا شعاری شود. این سبک از سخن گفتن، شکلی از جنگ نرم است که در میدان ادراک مردم رخ می‌دهد. مؤلفه‌های جنگ شناختی در این جمله عبارتند از:

الف) تصویرسازی عاطفی برای تحریک ادراک همدلانه

استعاره‌هایی همچون «خار در چشم» و «استخوان در گلو» بیانگر وضعیت خفقان‌آوری است که امام علیه السلام در آن ناچار به سکوت بود. «قذی» (خار چشم)، اشاره به رنج دائمی و اضطراب روانی از دیدن باطل دارد. «شجی» (گیر در گلو)، نماد فروخوردن خشم و مظلومیت می‌باشد (جعفری، ۱۳۷۶). در جنگ شناختی، به این تکنیک «تصویرسازی عاطفی»^۳ گفته می‌شود که در آن، زبان حسی برای هم‌ذات‌پنداری با مخاطب به‌کار می‌رود (حاجی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۸۱-۱۰۰؛ کرم‌پور و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۷-۵۳).

۱. Exposing Rhetoric

۲. Cognitive Exposure

۳. Emotional Framing

ب) افشای سیستماتیک تزویر قدرت

امام (ع) با به کار بردن عبارت «أَرَى تُرَائِي نَهْيًا؛ می بینم که میراثم به تاراج رفته است». خلافت را «ارث معنوی» خود می داند، نه به معنای خانوادگی، بلکه به معنای حقی که از او سلب شده است. این، یک عملیات افشاگرانه است که قدرت را از درون خودش نامشروع نشان می دهد. در جنگ شناختی، به این تکنیک «سلب مشروعیت از طریق شهادت فرد ذی حق»^۱ می گویند (Backes & Swab, ۲۰۱۹; Bernal et al., ۲۰۲۰).

ج) نفی سکوت خائنانه، اثبات صبر استراتژیک

امام (ع) نمی گوید: «ساکت ماندم»، بلکه می گوید: «فَصَبْرْتُ؛ صبور بودم». یعنی این صبر نه از ترس، بلکه از حکمت و آینده نگری بوده است. این در چارچوب جنگ شناختی، نوعی «مقاومت ادراکی»^۲ است. ایشان با سکوتی هوشمند، در حال آماده سازی ذهن جامعه برای روزی است که حقیقت را بشنوند (حاجی خانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فولادی و نوحی، ۱۳۹۹، ۹-۱۸؛ میرحسینی اشکوری، ۱۳۹۰). بر این اساس، امام علی (ع) در این عبارت، با زبانی عمیقاً استعاری و افشاگر، واقعیتی سیاسی را در حوزه ادراک عمومی ترسیم می کند، نه صرفاً در قالب سخنوری دینی یا احساسی. این زبان، ابزار مبارزه‌ای است در میدان جنگ شناختی، جایی که حقیقت، با ظرافت کلام، چهره‌ی تزویر را رسوا می سازد.

۲-۴. رمزگشایی از عملیات روانی دشمن

امام علی (ع) با شناخت کامل از عملیات شناختی دشمنان، به تحلیل روان شناختی رفتار سیاسی آنان می پردازد. ایشان در خطبه ۵۰، به انگیزه‌های قدرت طلبی قریش اشاره کرده و می فرماید: «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ، وَأَحْكَامُ تَبْتَدِعُ، يُخَالِفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ، وَيَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا، عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ، فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَالَصَ لَمْ يُخَفْ عَلَى مُرْتَادٍ، وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَالَصَ لَانْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ، وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ، وَمِنْ هَذَا ضِعْفٌ، فَيَمْرُجَانِ، فَهَنَالِكَ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ...»

۱. De-legitimization by Personal Witnessing

۲. Cognitive Resistance



آغاز فتنه‌ها، هوس‌هایی است که پیروی می‌شوند و بدعت‌هایی است که پدید می‌آیند؛ در آن‌ها کتاب خدا را کنار می‌گذارند، و مردمانی بر مردمان دیگر سلطه می‌گیرند نه بر اساس دین خدا. اگر باطل کاملاً خالص بود، بر کسی پوشیده نمی‌ماند، و اگر حق ناب و خالص عرضه می‌شد، زبان‌های دشمن خاموش می‌ماند؛ اما بخشی از حق و بخشی از باطل را در هم می‌آمیزند، و به این صورت فتنه پدید می‌آید؛ آن‌جا است که شیطان بر پیروانش مسلط می‌شود» (نهج/البلاغه، خطبه ۵۰).

این فراز نهج/البلاغه، یکی از دقیق‌ترین تحلیل‌های تاریخی و معرفتی امام (ع) از «مکانیسم تولید فتنه» و در واقع، نقشه‌برداری از عملیات روانی دشمن است.

تحلیل با رویکرد جنگ شناختی

در این خطبه، امام علی (ع) مراحل و ابزارهای عملیات روانی دشمن را در قالبی دقیق تحلیل می‌کند. در ادامه، آنها با مفاهیم مدرن جنگ شناختی تطبیق داده می‌شود:

الف) پیروی از امیال به‌جای عقلانیت (أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ)

دشمن با تکنیک تحریک هیجانات و احساسات جمعی^۱ افکار عمومی را از مسیر عقل و دین منحرف می‌کند؛ عوام‌فریبی، وعده‌سازی و تحریک نارضایتی‌های اجتماعی بدون راه‌حل واقعی، از نمونه‌های آن به‌شمار می‌روند (Cognitive Warfare NATO Report, ۲۰۲۰).

ب) قانون‌سازی جعلی و بدعت‌های حقوقی (أَحْكَامٌ تُبَدِّلُ)

دشمن به جای آموزه‌های وحی، قواعد جدید و مشروع‌نما تولید می‌کند تا قدرت خود را تثبیت کند. این همان چیزی است که در جنگ شناختی، با عنوان «Rule-Manufacturing & Legitimacy Simulation» شناخته می‌شود (Handbook of Cognitive Warfare, ۲۰۲۲).

ج) مخالفت با مرجع اصیل و حذف معیار شناخت (يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ)

از میان برداشتن قرآن و معیارهای معرفت، مقدمه‌ای برای گمراه‌سازی مردم است. در زبان امروز، از آن به «سلب اعتماد به منابع شناختی»^۲ تعبیر می‌شود (میرحسینی‌اشکوری، ۱۳۹۰؛ نیک‌طبع، ۱۳۹۱، ۱۸۳-۲۰۵؛ Waltzman, ۲۰۱۷).

۱. Emotional Manipulation

۲. Disruption of Epistemic Authority



د) قدرت‌گیری چهره‌های غیرمشروع با نقاب دین (يَتَوَلَّى عَلَيْهِا رِجَالٌ رِجَالًا، عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ)

دشمن با چهره‌های مشروع‌نما، اما بی‌اعتقاد، جایگاه حق را اشغال می‌کند. به این پدیده در جنگ شناختی «تغییر جهت روایت و نفوذ در جایگاه‌های اثرگذار»^۱ می‌گویند؛ یعنی دشمن تلاش می‌کند مسیر روایت‌های اصلی - مثل دین، حقیقت یا گفتمان عدالت - را به نفع خود منحرف کند و همزمان، در موقعیت‌هایی که مردم به آنها اعتماد دارند - مثل علما، رسانه‌ها یا نخبگان - نفوذ کند تا از درون، افکار عمومی را مدیریت و منحرف نماید (میرحسینی‌اشکوری، ۱۳۹۰؛ نیک‌طبع، ۱۳۹۱، ۱۸۳-۲۰۵؛ ۲۰۲۰، Cognitive Warfare NATO Report).

ه) روش فریب با ترکیب حق و باطل (فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَالَصَ ...)

شاه‌کلید عملیات روانی اینجاست: با استفاده از «حق جزئی» و «ظاهر دینی»، باطل کامل را پنهان می‌کنند. دقیقاً معادل «تبلیغات خاکستری»^۲ یا «فریب راهبردی یا فریب استراتژیک»^۳ در ادبیات مدرن جنگ نرم.

تبلیغات خاکستری، نوعی عملیات روانی است که در آن منبع پیام به‌روشنی مشخص نیست یا به‌طور عمدی مبهم نگه داشته می‌شود. این نوع تبلیغات معمولاً حاوی اطلاعاتی است که بخشی از آن درست، بخشی نادرست و بخشی تحریف شده است، تا مخاطب را در باور به پیام فریب دهد بی‌آنکه منشأ واقعی آن را بداند (David, ۲۰۰۹). در مقابل، فریب راهبردی، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که هدف آن گمراه کردن دشمن یا افکار عمومی درباره اهداف، توانمندی‌ها یا نیت‌های واقعی یک بازیگر - مثل دولت، جریان سیاسی یا رسانه - در سطح کلان است. این نوع فریب، برخلاف فریب‌های تاکتیکی، در مقیاسی وسیع و در بلندمدت طراحی می‌شود و معمولاً با استفاده از ابزارهایی همچون رسانه، روایت‌سازی و اطلاعات غلط اجرا می‌گردد. هر دو مفهوم، در جنگ‌های شناختی و اطلاعاتی نقش کلیدی دارند و در ادبیات سیاسی، رسانه‌ای و امنیتی کاربرد گسترده‌ای دارند (Jamieson & Taussig, ۲۰۱۹; Goldman, ۲۰۲۱).

۱. Narrative Hijacking & Infiltration of Representation

۲. Grey Propaganda

۳. Strategic Deception



(و تسلط بر ذهن و اراده افراد (يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَىٰ أَوْلِيَانِهِ)

در این مرحله، دیگر نه از بیرون، بلکه از درون ذهن مخاطب سلطه برقرار می‌شود. به آن در جنگ شناختی «تسلط شناختی»^۱ یا «بردگی روانی»^۲ می‌گویند (Cognitive Warfare NATO Report, ۲۰۲۰).

تسلط شناختی، به حالتی اشاره دارد که در آن یک بازیگر (دولت، رسانه یا گروه قدرت) توانسته است ادراک، قضاوت، اولویت‌ها و تصمیم‌گیری مخاطب یا دشمن را چنان در اختیار بگیرد که بدون استفاده از زور فیزیکی، او را به پذیرش واقعیتی تحریف شده، اهدافی نادرست یا حتی دشمنی با منافع خود وادار کند.

در گام پیشرفته‌تر، این فرایند به بردگی روانی منتهی می‌شود؛ وضعیتی که فرد یا جامعه بدون آگاهی، کنترل ذهنی و احساسی، خود را به ساختاری بیرونی می‌سپارد، وابسته به آن می‌شود و حتی از وضع اسارت‌گونه خود دفاع می‌کند. این فرایند معمولاً در نتیجه شستشوی مغزی تدریجی، تکرار رسانه‌ای، تحریف روایت‌ها و سرکوب حقیقت رخ می‌دهد (Ibid).

بنابراین، فراز «إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعُ الْفِتَنِ...» از خطبه ۵۰ نهج البلاغه، تحلیلی عمیق و پیشرو از مکانیسم عملیات روانی دشمن ارائه می‌دهد که با ابزارهایی همچون تحریک احساسات (أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ)، بدعت‌گذاری مشروع‌نما (أَحْكَامٌ تُتَدَعُّ)، حذف مرجعیت فکری (يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ)، نفوذ چهره‌های انحرافی در جایگاه قدرت و مهمتر از همه، ترکیب هدفمند حق و باطل برای فریب افکار عمومی، ساختار شناختی جامعه را تضعیف می‌کند. این فرایند که به تسلط کامل شیطان بر ذهن و اراده انسان‌ها می‌انجامد، با مفاهیم مدرن جنگ شناختی همچون «تبلیغات خاکستری»، «تحریف مشروعیت» و «غلبه ادراکی» کاملاً هم‌راستا است و نه تنها در بستر تاریخی قابل تحلیل است، بلکه الگویی زنده برای شناخت و مقابله با فتنه‌های رسانه‌ای، سیاسی و روانی امروز نیز به‌شمار می‌رود.

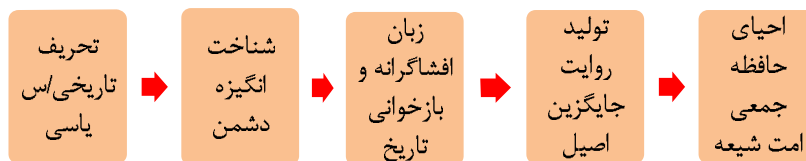
۱. Cognitive Domination

۲. Psychological Enslavement

جدول مقایسه‌ای روش‌های امام علی (ع) برای افشای تحریف

ردیف	روش	ابزار مورد استفاده	نمونه در خطبه‌ها	کارکرد در جنگ شناختی
۱	بازخوانی انتقادی تاریخ	تحلیل روایت	خطبه شقشقیه	بازسازی حافظه جمعی
۲	افشای تزویر قدرت	شفاف‌سازی بازی قدرت	خطبه‌های ۳۴ و ۲۱۷	تقابل با وارونه‌سازی واقعیت
۳	زبان افشاگرانه	استعاره، کنایه، استنطاق	خطبه شقشقیه	برانگیختن آگاهی عمومی
۴	تحلیل روان‌شناختی دشمن	شناخت انگیزه‌های تحریف	خطبه ۵۰	افشای نیت پنهان تحریف‌گران

نمودار تحلیلی: ساختار شناختی مقابله امام علی (ع) با تحریف



تحلیل آماری مضمون تحریف در نهج البلاغه

مضمون	تعداد تکرار در خطبه‌ها	درصد از کل خطبه‌ها
افشای تحریف قدرت	۱۸ مرتبه	۱۵٪
هشدار نسبت به تزویر	۱۴ مرتبه	۱۱٪
یادآوری حقیقت تاریخ	۲۲ مرتبه	۱۸٪
دعوت به آگاهی	۲۵ مرتبه	۲۰٪

بنابراین، روش‌های امام علی (ع) در مقابله با تحریف تاریخی و سیاسی، از جنس راهبردهای شناختی و روان‌شناختی بوده‌اند. ایشان از ابزارهایی مانند بازخوانی تاریخ، افشای تزویر قدرت،



زبان افشاگرانه و تحلیل روانی بهره برده تا حافظه جمعی امت اسلامی را از خطر فراموشی و تحریف نجات دهد (شهیدی، ۱۳۹۱؛ حقیقیان و قدرتیان، ۱۴۰۱، ۱۱-۵؛ Nasr, ۲۰۰۰).

۳. نقش افشاگری، هشدار و بازسازی روایت تاریخی در راهبرد شناختی امام علی (ع)

پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) که امت اسلامی با چالش‌های هویتی و تحریف‌های گسترده در ساحت تاریخ، سیاست و دین مواجه شد، امام علی (ع) نقش مؤثری در افشای تزویر، هشدار نسبت به انحراف و بازسازی روایت راستین تاریخ ایفا نمود. ایشان در خطبه شقشقیه و خطبه‌های ۳۴، ۴۵، ۱۷۲ و ۲۱۷ نهج‌البلاغه، با زبانی عمیق، شیوه‌های جنگ شناختی و مقابله با تحریف را به کار می‌گیرد (امیری و همکاران، ۱۴۰۲، ۸۹-۱۱۳؛ یوسفی، ۱۴۰۳). در ادامه به بررسی راهبردی این مفاهیم در قالب سه محور «افشاگری»، «هشدار» و «بازسازی روایت تاریخی» می‌پردازیم:

۳-۱. افشاگری: راهبرد نخست در مواجهه با تحریف

افشاگری در گفتمان علوی، نه صرفاً پرده‌برداری از واقعیت، بلکه اقدامی برای بازسازی حقیقت در میدان شناختی است. در خطبه شقشقیه، امام (ع) با بیانی عاطفی و منطقی به تبیین آنچه در سقیفه رخ داده می‌پردازد: «فَصَبَّرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدْ ذِي وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا أَرَى تُرَائِي نَهْبًا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). افشاگری در اینجا معادل تاکتیک «Counter-Narrative Disclosure» در جنگ شناختی است؛ یعنی ساختارشکنی روایت غالب از طریق تصویرسازی رنج و ظلم (Nye, ۲۰۰۴; Nasr, ۲۰۰۶).

۳-۲. هشدار: راهبرد پیشگیرانه در سطح ادراکی

در خطبه‌های ۱۷۲ و ۲۱۷ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ...؛ بارالها! از قریش و کسانی که یاری‌شان کردند، نزد تو شکایت می‌برم...». امام (ع) با هشدار نسبت به انحرافات قریش و خواص، به کارگیری مکانیزم «بازدارندگی ادراکی» را مدنظر دارد. در نظریه‌های جنگ ادراکی، «هشدار» به منزله ایجاد پیش‌آگاهی جمعی برای واکنش در برابر خطر تحریف آینده است (امیری و همکاران، ۱۴۰۲؛ یوسفی، ۱۴۰۳).

۳-۳. بازسازی روایت تاریخی: نوسازی حافظه جمعی

بازسازی روایت در کلام امیرمؤمنان (ع) به معنای تولید روایت جایگزین با تأکید بر مشروعیت و ولایت الهی است. ایشان در خطبه شقشقیه، تاریخ خلافت را از زاویه‌ای بازنویسی کرده و می‌فرماید:



«بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكٌ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ آخِرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكَمُ اللَّهُ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مَطَانِئُهَا فِي غَدٍ جَدْتُ؛ آری از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده تنها «فدک» در دست ما بود که آن هم گروهی بر آن بخل و حسد ورزیدند و گروه دیگری سخاوتمندانه آن را رها کردند و بهترین حاکم و داور [در این داستان اندوهبار] خدا است. مرا با فدک و غیر فدک چکار؟ در حالی که جایگاه فردای هر کس قبر است» (نهج/البلاغه، خطبه ۴۵).

این عبارت امیرمؤمنان (ع) در نهج/البلاغه، نمونه‌ای برجسته از بازسازی روایت تاریخی در قالب یک کنش شناختی-فرهنگی است. ایشان در این خطبه، ماجرای فدک را نه صرفاً به عنوان مسأله‌ای اقتصادی، بلکه به‌عنوان نمادی از حق غصب شده و تحریف تاریخی مشروعیت اهل بیت (ع) بازخوانی می‌کند.

در این عبارت، امام علی (ع) با عبارت «كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَدَكٌ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ» فدک را نماد کلّ دارایی‌ها و مشروعیت می‌گیرد؛ اما با تقابل دو گروه (یکی بخیل و دیگری کریم) به بازتعریف روایت آن می‌پردازد. ایشان با واژگان ظاهراً ساده، یک جنگ معنایی شکل می‌دهد:

- بازسازی معنا: فدک دیگر زمین یا باغ نیست؛ تبدیل به نماد یک تاریخ مصادره شده است.
- نوسازی حافظه جمعی: مخاطب، تاریخ را از زبان وارث حقیقی‌اش می‌شنود؛ حافظه جمعی تصحیح و زنده می‌شود.

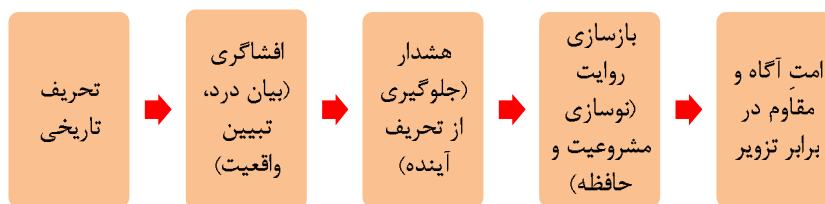
بنابراین، امیرمؤمنان (ع) در این خطبه، با مهارت بیانی، روایت مسلط را به چالش می‌کشد و تلاش می‌کند با نوسازی حافظه تاریخی امت، زمینه آگاهی و بیداری آینده را فراهم کند. این دقیقاً همان کاری است که در میدان امروز «جنگ شناختی» نیز انجام می‌شود (Nasr, ۲۰۰۶; Nye, ۲۰۰۴): بازتعریف وقایع گذشته برای تغییر درک حال و آینده؛ چراکه در تقابل با روایات رسمی پس از سقیفه، این روایت امام علی (ع) تلاشی است برای بازگرداندن حقیقت به میدان ادراک عمومی.



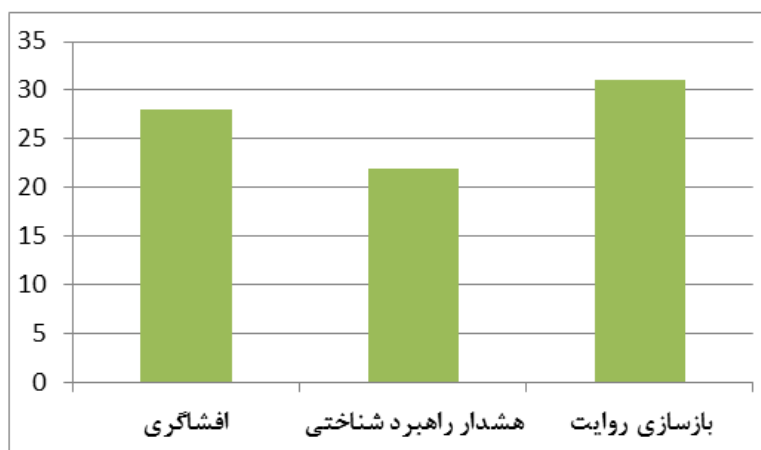
جدول: تحلیل سه‌گانه راهبرد شناختی امام علی (ع)

مؤلفه راهبردی	ابزارهای بیانی	هدف ادراکی	نمونه خطبه
افشاگری	استعاره، پرده‌برداری	آشکارسازی تحریف تاریخی	خطبه ۳
هشدار	دعا، خطاب مستقیم	پیشگیری از پذیرش تزویر	خطبه‌های ۱۷۲ و ۲۱۷
بازسازی روایت تاریخی	نقد روایت غالب	احیای حافظه جمعی امت	خطبه ۴۵

نمودار مفهومی: راهبرد شناختی امام علی (ع)



نمودار: بسامد محتوای سه‌گانه در نهج البلاغه



بر این اساس، امام علی (ع) در گفت‌وگو با بهره‌گیری از سه محور افشاگری، هشدار و بازسازی روایت تاریخی، طرحی کامل از راهبرد شناختی در برابر تزویر و تحریف ارائه می‌دهد.



این راهبرد نه تنها به احیای هویت اسلامی اصیل کمک می‌کند، بلکه در جنگ نرم و شناختی علیه باطل، الگویی پایدار و کاربردی برای جامعه شیعی ارائه می‌نماید.

تحلیل و یافته‌های پژوهش

۱. افشای چهره نفاق: امام علی (ع) در خطبه شقشقیه، چهره‌های قدرت را با صراحت افشا می‌کند و حقیقت روابط پنهان و انگیزه‌های فریبکارانه را برملا می‌سازد. در چند خطبه دیگر، راهبرد مقابله با تزویر در قالب تحلیل ماهیت نفاق، بیان می‌شود.

۲. بازسازی روایت تاریخی صحیح: ایشان تلاش دارد روایت رسمی تحریف شده از خلافت و تاریخ اسلام را تصحیح کند و روایت اصیل را به جامعه عرضه نماید. در حقیقت، بازسازی روایت صحیح تاریخی، افشاگری آگاهانه و پیشگیری از فریب توده‌ها، در زمره راهبردهای اصلی شناختی علوی قرار دارند.

۳. هشدار نسبت به مغالطات و فریبکاری قدرت: امام (ع) با هشدارهای مکرر نسبت به فریب‌های قدرت‌مداران، ذهن مخاطبان را نسبت به تزویر هوشیار می‌سازد.

۴. مهندسی معکوس تحریف ادراکی: با برشمردن عواقب ناآگاهی و تبعیت از قدرت‌های نفاق‌آلود، امام (ع) در پی ترمیم الگوهای ادراکی آسیب‌دیده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد امام علی (ع) در نهج البلاغه، جنگ شناختی را به خوبی درک کرده و با شیوه‌هایی چون افشا، تحلیل، بازسازی تاریخ و بیدارسازی افکار عمومی، الگویی الهام‌بخش برای مقابله با تهدیدات شناختی معاصر ارائه می‌دهد. راهبردهای شناختی امام علی (ع) در مقابله با تحریف و تزویر، نمونه‌ای از مقاومت فکری و روایت‌محور در برابر جنگ ادراکی هستند. این الگو می‌تواند مبنایی بومی برای شناخت جنگ‌های ادراکی در عرصه‌های رسانه‌ای و سیاسی امروز باشد.



فهرست منابع

منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آدمی، علی؛ محمدی نسب، مرضیه، «ابعاد نظری قدرت نرم در اندیشه سیاسی امام علی (ع)»، کنفرانس جهانی افق‌های نوین در علوم انسانی، آینده‌پژوهی و توانمندسازی، ۱۳۹۴.
۴. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی ره، ۱۳۶۳.
۵. امیری، مهناز؛ مطیع، مهدی؛ حاجی‌اسماعیلی، محمدرضا؛ شعیری، حمید رضا؛ نصیری، روح الله، «تحلیل نظام گفتمانی تنش در نامه‌های امام علی (ع) به معاویه در نهج البلاغه»، فصلنامه زبان‌پژوهی، ۱۵ (۴۸)، ۱۴۰۲.
۶. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۷. حاجی‌خانی، علی؛ شهریار، روح‌الله؛ جلیلیان، سعید، «ماهیت و مکانیزم عملیات نرم در نهج البلاغه و راهبرد تقابلی - صیانتی امام علی (ع) در مواجهه با آن»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۸ (۲۹)، ۱۳۹۹.
۸. حقیقیان بیدگلی، مریم؛ قدرتیان، سید عبدالجابر، «شناسایی الگوی شاخصه‌های مدیریت اسلامی بر مبنای کلام امیرالمؤمنین (ع) با تحلیل محتوای نهج البلاغه»، فصلنامه مدیریت/اسلامی، ۳۰ (۴)، ۱۴۰۱.
۹. زارعی، راضیه، «ظرفیت‌های اندیشه سیاسی اسلام در تولید قدرت نرم»، سیاست متعالیه، ۳ (۹)، ۱۳۹۴.
۱۰. شهیدی، سید جعفر، شرح نهج البلاغه، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
۱۱. عبدی، فریدون، «بررسی میزان آگاهی و باور دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع) نسبت به ماهیت و ابعاد جنگ نرم»، مجله مدیریت دفاع، ۱۱ (۴۱)، ۱۳۹۰.
۱۲. عزیزی، مریم، «دشمن‌شناسی و جنگ نرم از منظر نهج البلاغه»، علوم زیست محیطی و دانش جغرافیا، ۲ (۳)، ۱۴۰۱.
۱۳. غفوری، اکبر؛ طباطبایی‌ندوشن، سیدروح‌الله، سیاست و حکمرانی در قرآن و نهج البلاغه، یزد: دانشگاه یزد، ۱۴۰۲.
۱۴. فولادی، حفیظ‌الله؛ نوحی، محمد، «اصول مواجهه با دشمن از منظر نهج البلاغه»، فصلنامه معرفت، ۲۹ (۳)، ۱۳۹۹.



۱۵. کرم‌پور، زهرا؛ حسومی، ولی‌الله؛ خاکپور، حسین، «افناع مخاطب در نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۳(۹)، ۱۳۹۴.
۱۶. محسنی، علی‌اکبر؛ پروین، نورالدین، «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلایف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)»، پژوهشنامه علوی، ۶(۱۲)، ۱۳۹۴.
۱۷. محمدی نجم، سید حسین، جنگ شناختی: بعد پنجم جنگ، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۹۴.
۱۸. میرحسینی‌اشکوری، سید کاظم، جریان‌شناسی فتنه در نهج البلاغه، تهران: بلور، ۱۳۹۰.
۱۹. نیک طبع، صدیقه، «خاستگاه فتنه و راههای مقابله با آن از منظر نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های اسلامی، ۵(۸)، ۱۳۹۱.
۲۰. یوسفی، یونس، «تحلیل تطبیقی تفاوت استراتژی‌های جنگ شناختی امام علی (ع) با سانتزو، نفیو، گرین و معاویه»، نهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی، ۱۴۰۳.

منابع انگلیسی

۱. Backes, B., & Swab, R. (۲۰۱۹), "Cognitive Warfare and the Need for a Cognitive Security Policy", In *14th International Conference on Cyber Warfare and Security (ICCWS ۲۰۱۹)*, Stellenbosch, South Africa.
۲. Bernal, J. D., Gillespie, R., & Pang, A., (۲۰۲۰), *Weaponizing Public Opinion: Cognitive Warfare and the Social Media Battlefield*. In *Proceedings of the International Conference on Cyber Conflict (CyCon)*, NATO CCD COE Publications, Tallinn, Estonia. ۲۰۲۰
۳. Cheatham, M. J., Fulk, B. J., & Jones, K. A. (۲۰۲۴), *Cognitive Warfare: The Fight for Gray Matter in the Digital Gray Zone*. Joint Force Quarterly, ۱۱۴ (۳).
۴. *Cognitive Warfare NATO Report* (۲۰۲۰).
۵. David W, Guth. (۲۰۰۹), «Black, White, and Shades of Gray: The Sixty-Year Debate Over Propaganda versus Public Diplomacy», *Journal of Promotion Management*, Vol ۱۴, No ۳-۴.
۶. Goldman, Emily (۲۰۲۱), "Camouflaging the Lie: A Framework for Propaganda Analysis", *Journal of Strategic Communication*.
۷. Handbook of Cognitive Warfare, StratCom COE. (۲۰۲۲), Strategic Communications Centre of Excellence, Legal Illusions and Psychological Control.
۸. Hansen, Lene & Nissenbaum, Helen (۲۰۲۱), "Social Media as a Means of Cognitive Warfare: The European Union's Approach to Countering Disinformation", *Journal of Strategic Security*, ۱۴ (۲), pp. ۴۵-۶۸.

۹. Jamieson, Kathleen Hall & Taussig, Doron (۲۰۱۹), *Disinformation and Propaganda: A 21st-Century Guide to Information Warfare*, Oxford University Press.
۱۰. Nasr, Vali, (۲۰۰۶), *The Shia Revival*, New York: W. W. Norton.
۱۱. Nye, Joseph (۲۰۰۴), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*.
۱۲. Kopp, Carl (۲۰۲۰), "Cognitive Warfare and Hybrid Threats: A Comparative Analysis", *Deference Studies Quarterly*, ۱۶ (۳), pp. ۱۲۳-۱۴۵.
۱۳. Nasr, Seyyed Hossein, (۲۰۰۰), *Ideals and Realities of Islam*, London: Allen & Unwin.
۱۴. Waltzman, Rand (۲۰۱۷), *The Weaponization of Information: The Need for Cognitive Security*.

